

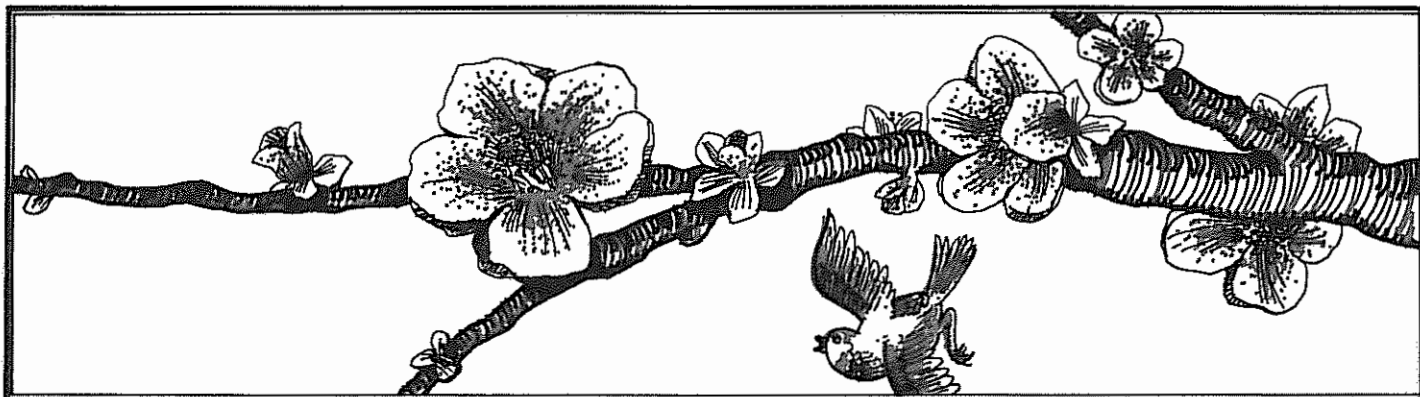
مژده دهید باغ را

آب زیندره را، همین که نگار می رسد
مژده دهید باغ را بوی بهار می رسد
چاک شده ست آسمان، فلکهای ست در جهان
هنبر و مشک می دمد، سنجق یار می رسد
رونق باغ می رسد، چشم و چراغ می رسد
غم به کناره می رود، مه به کنار می رسد
باغ سلام می کند، سرو قیام می کند
سبز ه پیاده می رود، فنجبه، سوار می رسد
"مولوی"

اکثریت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۷ برابر ۲۵ مارس ۱۹۸۹
بها ۵۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۵۰



بهار نخستین بار

مجموعه‌یی از آداب، آئین‌ها و باورداشتهایی را پدید آورده است که به هنگام نوروز و جشن بازرایی و آفرینش طبیعت به نمایش در می‌آیند. در این باورداشتهای، با خانه‌تکانی، زدن گردو و فبار از سیاهی‌اشیاء خانه، پاکسازی محیط پیرامون و بدور افکندن اشیاء فرسوده، شرارت ارواح خبیث، تاراندن می‌شود و با کاشتن گندم و همدس و دانه‌های دیگر و سبز کردن آنها برای نوروز، آغاز دوباره رویش دانه‌ها و گیاهان در طبیعت، بقیه در صفحه ۳

بهار شکفتن را، پربار تر کنند آری،
آنمه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود
عاقبت، در قدم باد بهار
آخر شد
در این هنگام - که هنگامه زایش و میرش است - پوسته افسرده زمستان دریده می‌شود و بهار، با جوانه‌های برومندش، فصل نوین شکفتن را از سرمی‌گیرد تا طرحی تازه در جان جهان و انسان درآفکند. دگرگونی طبیعت، در گردش سال و تاثیر آن در روند زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم،

دلنوازشان را در سبزه‌زارها به زمزمه می‌نشیند و درچه‌های دوستی و مهربانی، رو به سوی شکفتن‌های دنباله‌دار باز می‌شود تا جان ببقار ما را در بهار، از شکوفه‌های سرشار، آذین‌بند و گل‌بانگر شادمانه زیستن، زیبایی

رستاخیز طبیعت - دیگر بار - فراز آمده است. دستان قارت زده درختان، جوانه‌های جوان را در فراسوی چشمان آرزومندان به تماشا می‌گذارد. خورشید مهربار، به دل‌های امیدوار ما شادمانه لبخند می‌زند. چشمه‌سارهای زلال، آواز

آنان عاشق‌ترین زندگان بوده‌اند

اوج گیری بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با بالا گرفتن اختلافات داخلی‌شان، از آینده شومی که انتظارشان را می‌کشد به وحشت افتادند. فقهای جلاد خوب می‌دانستند که اگر مردم بپاخیزند، بار دیگر حصار زندان را خواهند شکست و رهبران‌شان را از میان زندانیان تهران، انتخاب خواهند کرد. اینچنین بود که طرح توطئه‌ای هولناک در افکار پلیدشان افکنده شد و جلادان، زندانیان سیاسی را گروه گروه در سلول‌ها، بندها، و در میدان‌های تیر به رگبار گلوله بستند و به دار آویختند.

کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران از نیمه تابستان سال گذشته آغاز شد و در آذرماه به اوج رسید.

آه‌ای آذرماه آرمگین با ما بگو
شعله‌های سرخ آذر را چه سان بگذاختند
هنوز هم قادر به باور کشتار این تعداد عظیم فرزندان اسیر خلق نیستیم. هرکوی و برزن در بقیه در صفحه ۳

سال پست
سال درد
سال هزا
سال اشک پوری
سال خون مرتضی
سال کیسه ...

"احمد شاملو"

سال تکان دهنده‌ترین رویداد، سال جنایت، سال به خون کشیدن پرنده‌گان شکسته بال، سال به آتش کشیدن زندان‌ها، سال آتش گشودن بر سینه‌های سوزنده‌تر از آتش. سال درد، سال فاجعه، سال قتل عام.
تکان دهنده‌ترین و هولناک‌ترین رویداد سال گذشته، جنایت فجیع جمهوری اسلامی در تمامی زندان‌های ایران بود. حکام مرتجع رژیم ولایت فقیه پس از شکست فجیعی که در پیشتبرد سیاست "هنگ تا پیروزی" خوردند، با

"اکثریت"

در پایان پنجمین سال انتشار

اینک دویست و پنجاهمین شماره نشریه اکثریت را در دست دارید. با انتشار این شماره، "اکثریت" پنجمین سال انتشار خود را به پایان می‌برد.

نشریه "اکثریت" در اولین شماره خود که در فروردین ماه ۱۳۶۳ انتشار یافت اهم وظایف خود را تصویر سیمای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن برای ایرانیان خارج از کشور، گزارش رنج و رزم مردم جهت درک هرچه ملموس‌تر آنچه که بر مردم میهنمان می‌گذرد، انشاء تب‌گذاری‌های جمهوری اسلامی به منظور گسترش و سازمان‌گیری مبارزه علیه رژیم جنایتکار خمینی و شاه‌آرمان و اخلاقیات پیشرو عصر، عنوان داشت. نشریه در طی سیر فراز و نشیب خود جنبه‌هایی از وظایف منجمله انعکاس مباحث جنبش کمونیستی را محتاج تاکید بقیه در صفحه ۲

«اکثریت»

در پایان پنجمین سال انتشار

علیه هولناک‌ترین جنایت دوران اخیر تاریخ ایران، کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی است. سازمان ما توانست با جمع‌آوری نام و نشان زندانیان سیاسی اعدام شده و اخبار مربوط به کشتار زندانیان سیاسی و انعکاس سریع آن در نشریه اکثریت در گسترش انزجار جهانی نسبت به رژیم خونخوار فقها و تبدیل نام هر شهید به یک پرچم مبارزه گام‌های موثری بردارد. عکس‌های گورهای جمعی منتشره در «اکثریت» در سرتاسر گیتی اسناد مصور و معتبر این تبهکاری هولناک و بی‌مرز حکومت فقها شدند.

ما امیدواریم که نشریه اکثریت، ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور در ششمین سال انتشار خود نیز بتواند همچنان اهداف مردمی و انقلابی خویش را پی‌گیرد.

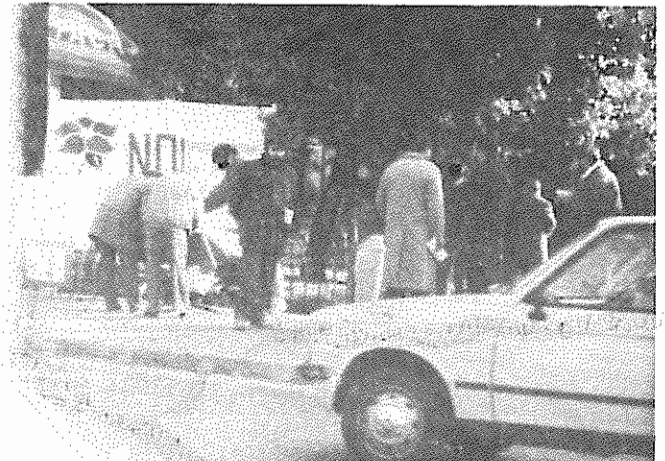
پس از صفحه ۱ و توجه بیشتری یافت. با نگاهی به گذشته تلاش‌های انجام یافته در این مدت را نمی‌توان کم‌بارزایی کرد.

در پنجمین سال انتشار، نشریه اکثریت به‌ثابه ارگان خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کارنامه خود در دوره‌ای با توجه و تأکید بیشتری می‌نگرد.

هرزه نخست بازتاب تلاش فکری عظیم جنبش جهانی کمونیستی برای تبیین واقعیت‌ها، پاسخگویی به معضلات ثوریک و بازتبیین متدها و بنیان‌هاست. این امر از طریق ترجمه و انتشار مطالب متعدد، در راستای گوناگون صورت پذیرفت که به گمان ما انتشار این مقالات در ایجاد امکان برای ژرف اندیشی و همه‌جانبه‌نگری به سهم خود مفید بوده است.

هرزه دوم، فعالیت افشاگرانه

اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی



شهروندان ایتالیایی در جنوا در حال امضای یک نامه اعتراضی علیه کشتار زندانیان سیاسی در ایران. این نامه که توسط فدائیان خلق در جنوا تهیه شده است خطاب به رئیس‌جمهور ایتالیا، نخست‌وزیر و روسای دو مجلس این کشور بوده و در آن از دولت ایتالیا خواسته شده است در مقابل جنایات رژیم جمهوری اسلامی سکوت خود را بشکند. این نامه سرگشاده توسط تعداد زیادی از ایتالیایی‌ها امضا شده است. آکسیون جمع‌آوری امضا و توضیح جنایات رژیم خمینی در خیابان‌های مختلف این شهر برگزار شده است.

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی

قطع رابطه «فرهنگی» و در صورت لزوم سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو با انگلیس و کشورهای اروپای غربی شدند. اما در ریاض نیز رژیم خمینی همان را درو کرد که در سایر نقاط جهان. کنفرانس ریاض بدون آن که نامی از رشدی ببرد، از او به عنوان یک «مرتد از مذهب» نام برد و از

کشورهای غربی خواستار شد از بنگاه‌های انتشاراتی خود بخواهند که مطالب توهین‌آمیز درباره اسلام انتشار ندهند. کنفرانس خط فاصل روشنی میان خود رژیم خمینی کشید.

پیرامون جایگاه خالی افغانستان جمهوری اسلامی تلاش کرد ضدانقلابیون افغانی مقیم ایران را به کنفرانس بیاورد و موضع آنها را طرح نماید. کنفرانس هر چند گلدین حکمت‌یار را به کنفرانس خواند ولی با حمایت از طرح حکومت وسیع در افغانستان زیر پای حکمت‌یار و جمهوری اسلامی را خالی کرد.

جانب آمریکا محکوم شد. تحولات در روابط بین‌المللی و گرایش ضروری به سوی حل اختلافات از راه مذاکره محافل اجتهامی هر چه بیشتری در سراسر جهان را در برمی‌گیرد. امروز نه تنها نمی‌توان از سیاست ماجراجویانه و نظامی‌گرایانه حمایت کرد، بلکه سکوت در قبال این گونه سیاست‌ها و گذشتن از کنار آنها نیز دیگر به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. اتخاذ چنین سیاستی به انزوا منتهی می‌شود.

در این راستا شکست چندجانبه جمهوری اسلامی در این کنفرانس در خور توجه است. رژیم خمینی که ابتدا از تحریم این کنفرانس سخن می‌گفت، هياتی را به ریاض فرستاد، به این امید که سوار بر اسب «آیات شیطان» بتواند در کنفرانس تاخت و تاز کرده، گروهی را به سوی خود بکشد. این هيات در کنفرانس بیان داشت که حکم خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی «حکم خدا» است و باید اجرا شود و عوامل خمینی خواستار

در کنفرانس کرسی افغانستان در اختیار گلدین حکمت‌یار وزیر خارجه! حکومت قلابی تشکیل شده در پاکستان قرار گرفت. با این وجود تنها سه کشور از ۴۶ کشور عضو کنفرانس این «دولت موقت» را به گونه‌ای صوری به رسمیت شناختند. حتی ملک فیصل وزیر خارجه عربستان سعودی با صراحت گفت عربستان سعودی و متحدان آن در جهان اسلامی خواهان تشکیل یک حکومت وسیع در افغانستان، حتی تحت نفوذ کمونیست‌ها هستند. با توجه به سیر کنونی حوادث در افغانستان اکنون طرح دولت وسیع با شرکت تمام نیروهای سیاسی افغانستان که از جانب دولت افغانستان و اتحاد شوروی پیشنهاد گردید، پشتیبانی بیشتری می‌یابد.

ادامه سیاست تهاجم آمیز آمریکا به لیبی طی قطع‌نامه‌ای از جانب کنفرانس محکوم شد. دولت آمریکا باید برای حملات نظامی به لیبی قرامت مالی بپردازد. در این قطع‌نامه هم چنین تحریم لیبی از

در هفته گذشته کنفرانس چهار روزه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در ریاض پایتخت عربستان سعودی برگزار شد. در این کنفرانس که در آن بیش از ۵۰ قطع‌نامه صادر شد، به مسایل خاور نزدیک پرداخته شد. در این قطع‌نامه‌ها کنفرانس حمایت خود را از تشکیل دولت مستقل فلسطینی در مناطق غربی رود اردن و نوار غزه اعلام داشت. مناطق اشغالی عربی باید تحت اختیار سازمان ملل متحد قرار گیرند تا کنترل متب نشینی نیروهای اشغالگر اسرائیلی امکان‌پذیر شود. تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل برای حل بحران خاور نزدیک مورد حمایت کنفرانس است.

کنفرانس وزرای خارجه تروزیسم و هواپیماربایی را محکوم کرد و از کشورهای عضو خواستار شد به هیچ خواست هواپیماربایان تن در ندهند و آنها را «شدیداً مجازات کنند»

آنان عاشق ترین زندگان بوده اند

خاموشانه

شهر خاموش من! آن روح بهارانت کو؟
شور و شیدائی انبوه هزارانت کو؟
می خزد در رگت هر برگت تو خونا ب خزان،
نکبت صبحدم و بوی بهارانت کو؟
کوی و بازار تو میدان سپاه دشمن،
شیمه اسب و هیاهوی سوارانت کو؟
زیر سر نیزه تاتار چه حالی داری؟
دل پولاد دوش شیر شکارانت کو؟
سوت و کور است شب و میکده ها خاموشند،
نعره و عربده باده گسارانت کو؟
چهره ها در هم و دلها همه بیگانه زهم،
روز پیوند و صفای دل یارانت کو؟
آسمانت، همه جا، سقف یکی زندان است،
روشنای سحر این شب تارانت کو؟

شفیعی کدکنی



بقیه از صفحه ۱

هزای چند زندانی قهرمان به ماتم نشسته است. صدا و صدا و هزاران. در شرایط کنونی ارائه آمار دقیق و نام و نشان شهدا ناممکن است. آخرین لیستی که در نشریه اکثريت درج شد، نام ۶۷۸ شهید این فاجعه به عنوان بخشی از کل آن را در بر می گرفت.

در اثر فعالیت های پیگیرانه سازمانهای سیاسی، نهادهای دمکراتیک و نیروها و شخصیت های مترقی ایرانی در خارج از کشور، انعکاس اعدام های جمعی در برخی از رسانه های جهانی و محکوم شدن خودکامگی های ولایت فقیه توسط بسیاری از مجامع و مراجع بین المللی و اعتراض جهانی نسبت به این جنایتها، رژیم به آزاد کردن معذودی از باقیمانده زندانیان سیاسی وادار شد. اما نه آزادی بسیاری از آزادشدگان را تضمینی است و نه جان باقیمانده زندانیان را تأمین. بسیاری از آزادشدگان را خطر دستگیری مجدد و باقیمانده زندانیان را خطر اعدام و کشتار، همچنان تهدید می کند و اعدام ها همچنان ادامه دارد. تقویم مبارزه نیروهای سیاسی ایرانی در سال گذشته صفحات خونین بسیاری دارد

کشتند! هزارها کشتند! از همه سازمانهای سیاسی ایران! اینان حماسه آفرینان زندان های مخوف جمهوری اسلامی بوده اند. دلیرانی چون هیبت الله معینی، امیر نیک آئین، محمد علی پرتوی، علیرضا تشید، پنجه شامی و... بوده اند. سازمان مانیز در سال گذشته بسیاری از اعضای ارجمند و حماسه آفرین خود را از دست داد. دلاورانی چون انوشیروان لطفی قهرمان ملی، صد اسلامی، حمید منتظری، احمد ثقلینی، محمد دریاباری، منصور دیانک شوری و علی رضا اسکندری، پیروز احیا و... هر شهید یک پرچم، یک حماسه، یک سرود.

سال نور با در دو زخمی همیق در قلب و با درود بی کران بر کشتگان این فاجعه عظیم آغاز می کنیم و یاد این رزمندگان راستین راه رهایی مردم ایران را گرمی می داریم.
"من امیدم را در یاس یافتم
مهاجم را در شب
هشتم را در سال بدیافتم
و هنگامی که داشتم خاکستر می شدم
گر گرفتم"

سال پیروزی بزرگ مردم در تحمیل صلح به رژیم خمینی

افتد؛ چه مزارع می توانست سرسبز شود؛ می توانست چه خانه ها بنا شود، چه شهرها آبادان،... و این جنگ پلید هم آنان را کشت؛ هم کارخانه ها را از کار انداخت، هم مزارع را خشکاند؛ هم خانه ها را مخروبه کرد و هم شهرها را ویرانه.
مردم ایران شرمساری خمینی، این هفريت مجسم جنگ در ایران را جشن گرفتند. مردم با شکست این دیو شادی کردند. به این امید که دیگر جوانها را در میدان های مین پاره پاره نبینند؛ که دیگر شاهد دود شدن ثروت های ملی شان در کوره جنگ نباشند.
تحمیل پذیرش قطعنامه صلح به رژیم جنگ افروز خمینی بزرگترین پیروزی مردم ما در مبارزه علیه این رژیم تبهکار محسوب میشود. پیروزی قطع جنگ در سال گذشته بزرگترین رویداد سیاسی سال های اخیر کشورمان را رقم زد.

"... و اما در مورد قبول قطعنامه" که حقیقتا مسئله ای بسیار تلخ و ناگوار برای همه و خصوصا برای من بود. و بدا به حال من که مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده ام. ... من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است..."
روز دوشنبه ۲۷ تیر ماه سالی که گذشت، مردم ایران با شنیدن این اعتراف، به خشنودی جام زهر آلودی که خمینی جنگ طلب نوشید، پایان جنگ ایران و عراق را جشن گرفتند. پایان جنگی هشت ساله؛ جنگی مرگبار و پیرانگر؛ خانمانسوز و کثیف. جنگی که در آن بیش از یک میلیون انسان بر خاک افتاد. چراغ یک میلیون زندگی فرو نرسد. بیش از یک میلیون عشق به خاک سپرده شد و میلیون ها انسان به هزانشستند. با این یک میلیون انسان، چه کار خانه ها می توانست به کار

توافقات جمهوری اسلامی و ترکیه در مبادلات مرزی

در اجلاس مشترک وزیران ذیربط ایران و ترکیه ایجاد بازارهای مرزی، برقراری پرواز هواپیماهای کوچک بین استانهای مرزی، حذف عوارض در مبادلات مرزی، حذف گذرنامه برای پیلهوران و تجار در اصول مورد توافق قرار گرفت. در این اجلاس که با حضور بهزادنبوی وزیر صنایع سنگین، سفرای دو کشور، استاندار آذربایجان غربی و استانداران آفری و حکاری انجام یافت، آذربایجان غربی بعنوان محل انجام کلیه معاملات مرزی با ترکیه تعیین شد.

ایجاد یک گورستان جدید

گورستانهای کشور همچنان رو به گسترش است. روزنامه کیهان به تاریخ ۹ اسفند گزارش کرده است که در صورت موافقت نهایی مسئولین امر، گورستان جدیدی در جاده لشکرک ایجاد خواهد شد. کیهان در این زمینه نوشته است: فرماندار شمیرانات به منظور رفع مشکلات منطقه در محل حضور یافته و پس از ادای این مطلب که: "اگر مردم همگام با نیروهای اجرایی حرکت کنند بسیاری از مشکلات حل خواهند شد" خبر ایجاد گورستان جدید را اعلام کرده است.

قطع دست در ارومیه

به اتهام سرقت

اهداف جنایتکارانه هرروزه تعداد زیادی از افراد به اتهام قاچاق و دزدی مسلحانه و فساد در شهرهای مختلف کشور نباید به ایجاد بی تفاوتی در برابر جنایاتی از قبیل قطع اعضا بدن بیانجامد. در روز شنبه ۱۳ اسفند در شهر ارومیه چهار انگشت یک فرد به اتهام سرقت قطع شد.

تاریخ پذیرش قطعنامه صلح مبنای

نحوه برخورد به سربازان و وظیفه

"مهاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا" با انتشار مصوبه‌ای اعلام داشت که مشمولات متاهل هادی تا دیپلم که قبل از بیست و هفتم تیر ماه (تاریخ پذیرش قطعنامه ۵۹۸) خود را معرفی کرده‌اند با انجام ۱۸ ماه سربازی از خدمت "ترخیص" خواهند شد.

تقسیم وظایف اعضای شورای عالی قضایی

دادسراها و دادگاههای نظامی، سازمان ثبت، روزنامه رسمی.

۴ - حوزه مسئولیت بجنوردی شامل دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی خاص، دانشکده علوم قضایی

۵ - حوزه مسئولیت وزیر دادگستری شامل امور اجرایی دادگستری، پزشکی قانونی

۶ - حوزه مسئولیت شورا شامل تنظیم و تقسیم بودجه، تعیین حقوقدانان شورای نگهبان، ...

خامنه‌ای در پایان نامه خود به خمینی نوشته است:

"شایان ذکر است که جلسه به اتفاق آرا ابراز عقیده کرد که طرح تمرکز وظایف بدین معنی که یکی از افراد شورای عالی قضایی مسئولیت کلیه فعالیت‌های قضایی را بر عهده گیرد و دیگر اعضا نقش مشاور داشته باشند از طرح تقسیم وظایف میان اعضا بهتر و مفیدتر است."

خمینی در جواب به رئیس جمهور خود نوشته است:

"با تشکر از زحمات جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای طرح مورد اتفاق آقایان (تمرکز وظایف) خلاف قانون اساسی است. با طرحی که در جلسه سران سه‌توة اکثریت آراء به تصویب رسید موافقت می‌شود."

به دنبال جلسات متعدد و نامه نگاری‌های طولانی مسئولین رژیم، طرح تفکیک وظایف اعضای شورای عالی قضایی انتشار یافت. به دلیل اهمیت مسئولیت‌های تفکیک شده، کشمکش و حساسیت خاصی بین دو ابر قدرت در درون رژیم بر سر تقسیم این مسئولیت‌ها وجود داشت. خمینی طی نامه‌ای "سران سه‌توة"، خامنه‌ای، رفسنجانی و موسوی اردبیلی، و چهار نفر عضو شورای عالی قضایی را با محور ارائه طرح تفکیک وظایف کرده بود. به دنبال جلساتی که با حضور جمع تعیین شده و همچنین سید احمد خمینی و موسوی نخست وزیر تشکیل شد، خامنه‌ای طرح تقسیم وظایف را به شرح زیر برای خمینی جهت تصویب ارسال کرد:

۱ - حوزه مسئولیت رئیس دیوان عالی کشور شامل امور مربوط به شعب دیوانعالی کشور (دادگاه عالی تم) به "دادسراها و دادگاههای انقلاب"، دادگاه انتظامی قضات، بخش مربوط به محاکم انقلاب، بازرسی کل کشور، پلیس قضایی، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و ...

۲ - حوزه مسئولیت دادستان کل کشور شامل امور مربوط به دادسرای دیوانعالی کشور، دادسراها و دادگاههای عمومی، کیفری و حقوقی یک و دو و ...

۳ - حوزه مسئولیت مقتدایی شامل

جنگ، هنوز قربانی می‌گیرد

۱۷ یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۷
۲۶ رجب ۱۴۰۹
۵ مارس ۱۹۹۰

را داشت بعلت تماس مواد ۱۰۰ منفجره کشته شد.

یادآور میشود: پس از عقب‌نشینی نیروهای عراقی از داخل اراضی اشغالی تاکنون ۳۹ نفر در مناطق دهلران، مهران و صالح آباد بعلت برخورد با مواد منفجره کشته شده‌اند.

ایلام - دختر بچه ده ساله‌ای در منطقه دهلران بعلت انفجار مواد منفجره بجای مانده از زمان جنگ کشته شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی این دختر بچه که توران بتیری نام دارد هنگامی که قصد جمع‌آوری خار در بیابانهای اطراف دهلران

کمک‌های مالی رسیده

سوئد

به نشریه کار "بیار رفیق منصور پور جم"

نروژ

"بهاران خجسته باد" از اسلو

از اسلو

"بیاد هم‌مهدی"

پرواز

ژاپن

سازمان شاکای شوکی برای خانواده زندانیان سیاسی

Mr. BiruKahtah

یک رفیق هوادار برای خانواده زندانیان سیاسی

خانم تومی‌یاما

۳۲۵۰۰ کرون

آقای جوگاتسوما

۱۰۰ کرون

شرکت کنندگان در جشن هجدهمین سالگرد تولد سازمان برای خانواده

زندانیان سیاسی

۵۰۰ کرون

"خگر" برای خانواده زندانیان سیاسی

۳۶۰ کرون

محمد ب. اختصاص یک روز حقوق

ر. سیاوش

۱۴۴۰۰

ر. سیامک

۱۳۰۰۰

۱۱۰۰۰

۱۰۰۰۰۰

۲۰۰۰۰۰

۴۹۰۰۰

۳۶۵۷۶

۱۰۰۰۰

۶۰۰۰۰

۵۸۱۰

۵۰۰۰۰

افغانستان

بدون حضور نیروهای شوروی



حوالی شهر در کابل: سربازان دولتی در حال گشت

خبرنگاران خارجی اجاره شد
ظاهر آناه به کابل هجوم آوردند تا
آنجا مستقیم به محاصره گزارش
سرگونی دولت افغانستان و فتح
کابل توسط ضد انقلاب بپردازند. ام
بزودی شمارش معکوس و تبلیغات
پرسرو و صدای بخت و روشن شد
که اوضاع تغییر چندان مهمی
نسبت به قبل نکرده است. اکنون
در هتل انترکنینتال کابل اطاقهای
بیشتری خالی می شوند.

اگر تحلیل ها و تبلیغات بسیاری از
رسانه های غربی مبنا می بودند،
باید دولت افغانستان از روز
۱۵ فوریه تاکنون چندین بار
سرنگون می شد. دولت های غربی
از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه،
آلمان فدرال سفارت های خود را به
بهانه عدم ثبات حکومت تعطیل
کردند. در همان روزهای اواسط
ماه فوریه همه ۳۰۰ اطاق هتل
انترکنینتال کابل توسط

روزهای اخیر کارشناسان وزارت
امنیت دولتی به این نتیجه
رسیده اند که نیروهای تروریست
زیرزمینی در حد زیادی تضعیف
گشته اند.

به دلیل بسته شدن جاده ها و
احتکاره کمیابی ارزاق و مایحتاج
بشدت محسوس است. هر روز صبح
صف های طولانی در مقابل
نانوایی ها برای خرید آرد و نان
بربری تشکیل می شود. بهای آرد
تنها در طی یک هفته ۵۰۰ افغانی
افزایش یافت. پلیس و پلیس جنایی
با قاطعیت با بازار سیاه مقابله
می کنند. اخیرا روشن شد که
پدیده بازار سیاه تنها وسیله
سودجویی نیست، بلکه نوعی
انگیزه سیاسی نیز دربردارد. با
اهلام وضع فوق العاده در
افغانستان، برخی از مواد
قانون اساسی به کنار گذاشته شدند.
از جمله پلیس و مقامات امنیتی
اجازه دستگیری و بازرسی بدون
اجازه رسمی دادستانی دارند.
در کنار دادگاه های رسمی،
ارگان های سه نفره به همراه یک
قاضی امنیتی تشکیل شده اند که
اجازه صدور حکم دارند.
با وجود کمبود و خامت بار
مایحتاج، اقتصاد عمومی کشور
رو به ثبات است. بهای دلار کمی
افزایش یافته است چرا که ورود
دلار از پاکستان متوقف شده است.
البته فروشندگان ارز این امر را
موتی می دانند.
اخیرا حقوق نیروهای "اتحاد
برای آزادی افغانستان" و

نیروی مسلح صدهزار نفره
متشکل از ارتش، واحدهای وزارت
امنیت دولتی، گارد ملی و
واحدهای مدافع انقلاب از پایتخت
دفاع می کنند. محافل زیادی بر این
نظر هستند که با توجه به پایگاه
نسبتا وسیع دولت افغانستان
در میان مردم، هیچ نیروی
اقترباتی در حال حاضر وجود
ندارد که بتواند جایگزین حکومت
کنونی شود.

عبدالوکیل وزیر خارجه
افغانستان اطمینان دارد که
دیپلمات های خارجی که به دلایل
امنیتی کابل را ترک کرده اند، در
روزهای آتی به شهر باز خواهند
گشت. دیپلمات های اتحاد شوروی
که تعداد آنها به ۲۰۰ نفر بالغ
می شود، در کابل مانده اند. تنها
مشاوران شافل در
وزارت خانه های مختلف و
خانواده های آنان از کشور خارج
شدند.

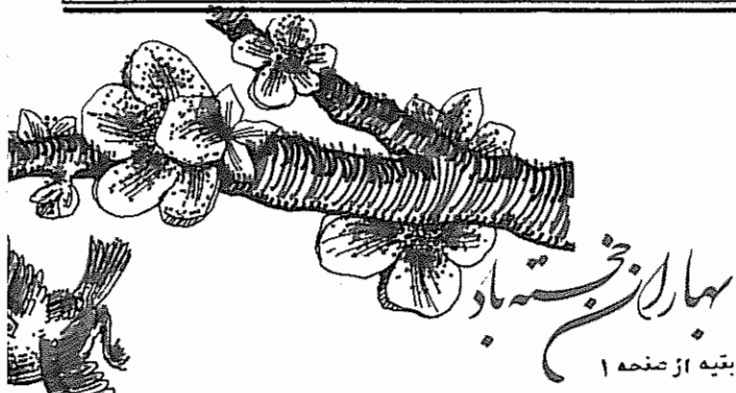
به نظر می رسد که ضد انقلاب
اکنون به سیاست تروریستی و
فعالیت خرابکارانه روی آورده
است. روزنامه ها مرتباً از
دستگیری تروریست ها، کشف
انبارهای اسلحه و نشریات
گروه های ضد انقلابی خبر می دهند.
نیروهای امنیتی افغانستان تنها در
سه هفته فعالیت علیه بنیادگرایان
اسلامی بیش از ۶۰۰ نفر را دستگیر
و ۹۰ انبار مهمات کشف کردند. در

"جمعیت اسلامی افغانستان"
دو برابر افزایش یافت. هر یک از
هوامل این دو جریان که
گروه هایی در نزدیکی کابل مستقر
کنند، بین ۶۰۰۰ تا ۹۰۰۰ افغانی
دریافت می کنند. کمیته مردموزی
به نام "کمیته بهداشت افغانستان"
آلمان!! به هریک از هوامل
اپوزیسیون ۱۵۰ هزار افغانی در
سال می پردازد. مبالغ هنگفتی
برای کسانی تعیین شده اند که از
صفوف نیروهای دولتی به
اپوزیسیون بپیوندند. از سوی
دیگر عبدالوکیل وزیر خارجه
خبرهای فرستنده های غربی
پیرامون پیوستن گروه های بزرگ
از واحدهای دولتی به اردوی
"مجاهدین افغانی" را تکذیب
کرد.

از سوی دیگر گزارش های مختلف
حاکمی از آن است که ضد انقلابیون
در حملات خود به جلال آباد دچار
شکست های سختی شدند.
سخنگوی وزارت خارجه محمد بنی
همان اعلام داشت تمام حملات به
شهر جلال آباد دفع گشتند. او اعلام
کرد که چهار مشاور آمریکایی که
حمله کنندگان را تعلیم
می داده اند، در جریان حملات
کشته شدند. در میان ۵۶
"مجاهدین افغانی" که در طی
روزهای اخیر کشته شده اند، یک
تنه عربستان سعودی نیز به چشم
می خورد.

در طی روزهای اخیر یولی
ورونتسوف معاون وزیر خارجه
اتحاد شوروی و سفیر این کشور در
افغانستان از روندهای تازه ای در
تحولات افغانستان سخن گفت. بنا
به اظهارات او پس از شکست های
سنگین نظامی مجاهدین افغانی
برای تصرف کابل و جلال آباد و
نامیدی حامیان آنان، اکنون
پاکستان دست به اقدام جدیدی
زده و سربازان خود را مستقیماً
به جنگ وارد ساخته است.

ورونتسوف گفت با وجودی که
اتحاد شوروی تلاش های فراوانی
جهت رسیدن به یک نظر مشترک با
پاکستان به عمل آورده است،
محافل راست گرای افراطی
حکومت پاکستان بعد جدیدی را
گشوده و خود مستقیماً وارد جنگ با
افغانستان شده اند. این دیگر جنگ
داخلی، در افغانستان نیست، بلکه
جنگ پاکستان با افغانستان است.
در پی ورود بحران افغانستان
به دور تازه، اتحاد شوروی اعلام
داشت که حمایت نظامی خود را از
افغانستان گسترش خواهد داد. در
روزهای اخیر هواپیماهای باری
اتحاد شوروی تعداد بسیاری
موشک های مدرن در کابل تخلیه
کردند. اتحاد شوروی و افغانستان
همچنان بر سیاست آشتی ملی و حل
اختلافات در پای میز مذاکره و
تشکیل یک حکومت ملی تاکید
می ورزند.



بقيه از صفحه ۱

يا کارایی نخستين شراره‌های
 "آتش‌رام شده" برای انسان، آغاز
 بهار و نوروز خوانده شود، یک
 حقیقت به‌دیرسالی حیات به‌ر سال
 نمودی آشکار دارد و آن: تازش بهار
 بر سرمای جوانه سوز زمستان و
 لحظه‌های زردخزان است.
 باری، اینک بهار، با توفان رنگها
 در واپسين روزهای زمستان از
 راه دررسید
 دیوار یاسیم خاردار نمی‌داند
 از پای و پیوی بهار نمی‌ماند
 و به ما می‌گوید: "با همه، داغ
 که از گردش دوران" دارید، در
 سال تازه با امیدهای تازه با یاد
 یاران از دست‌رفته - این
 بهار آفرینان - در پای دریچه‌های
 بهاری به تماشای گلخنده‌های باغ
 بنشینید و از روشن عشق، چراغ
 افروزید تا تاریکی جدایی‌های
 ناخواسته از میان بر خیزد و جان
 آرزومندان در یگانگی و لبخند با
 سرود و سبزه درآمیزد.

تقدیس می‌شود. و این زایش
 دوباره حیات طبیعت در گذار از
 سالی خموده و کهنه، به سالی بالنده
 و نو در جشنی شورانگیز، جلوه
 می‌یابد: جشن باستانی نوروز.
 درازای جشنهای نوروزی
 دوازده روز است این دوره
 دوازده روزه، زمان گذار از
 "ایستادگی و نمفتگی به پویایی و
 پدیداری ست". این دوازده روز،
 نمادی از دوازده ماه سال و یادآور
 افسانه دوازده هزار سال مهر
 جهان است. و نوروز، روزی است
 که "اورمزد"، انسان را آفرید
 یعنی آنکه در درازای سال، هر روز
 یکی از پدیده‌های رازواره
 طبیعت: زمین، آسمان، آبها و
 گیاهان آفریده شد و سرانجام در
 سیصد و شصت و پنجمین روز سال،
 انسان - این آفریده شگفت - هستی
 یافت.
 چه این روایت و چه داستان
 آغاز تاجگذاری جمشید پیشدادی و

این صدای شکفتن را...

این صدای شکفتن را از بهار تنم بشنو:
 هر جوانه، به آوازی، گویدت که «منم». بشنو.
 هر جوانه، به آئینی، شد شکوفه پروینی؛
 مست جلوه اگر گفتی «شاخ نسترنم»، بشنو
 بیش ازین چه درنگ آرم؟ - چنگ زهره به چنگ آرم،
 بر رگش، به هزار آئین، زخمه گر بزنم، بشنو.
 هر رگم، رگ ساز اینک، با فرود و فراز اینک:
 رای خود زدنم بنگر، بانگ تن تنم بشنو.
 اوج شادی و سرشاری، این منم؟ - نه منم! آری،
 غلغلی به سبو از نو درمی کهنم بشنو.
 گلشنی، همه هشیاری، رسته در نگهم، بنگر؛
 عالمی، همه بیداری، خفته در سخنم، بشنو.
 از تو جان و تنم پر شد، چون صدف که پر از در شد؛
 آنچه گفتمی و می‌گوئی، جمله از دهنم بشنو.
 نه! که لولی مستت، من! جام طرفه دستت، من؛
 وای حیف حریفان را بارها شدنم بشنو.
 این صدای شکستن را، اوفتادن و رستن را
 - ای دلت همه خارا می‌آید از بلور تنم بشنو.

سیمین بهبهانی بهمن‌ماه ۶۱

طرحی از بهار

جمله گلها صلحجو و خار بدخو، جنگجو
 خیز، ای وامیق، تو باری، عهد عذرا تازه کن
 رد گوید: «ابر آمد، مشکها بر خالک وریخت»
 ای گلستان روبشو و دست و پا را تازه کن
 نرگس آمد سوی بلبل، خفته چشمک می‌زند
 «کآندر آندر نوا، عشق و هوا را تازه کن»
 بلبل آن بشنید ازو و باگل صد برگ گفت:
 «گر سماعت میل شد، این بینوا را تازه کن»
 و آن سه برگ و آن سمن و آن یاسمین گویند: «نی،
 در خموشی کیمیا بین، کیمیا را تازه کن»

مولوی

نوبهارا، جان مایی، جانها را تازه کن
 باغها را بشکفان و کشته را تازه کن
 گل جمال افروخته ست و مرغ قول آموخته ست
 بی صبا جنبش ندارد، هین، صبا را تازه کن
 سرو سوسن را همی گوید: «زبان را برگشا»
 سنبله با لاله می‌گوید: «وفا را تازه کن»
 شد چناران دلفرزان و شد صنوبر کف‌زنان
 فاخته نمره زنان: «کو کو!» عطا را تازه کن
 از گل سوری قیام و از بنفشه بین رکوع
 برگ رز اندر سجود آمد، صلا را تازه کن

گفتیم پس چرا جورابی در اینجا نمی بینیم، گفت شما چشم بصیرت ندارید!

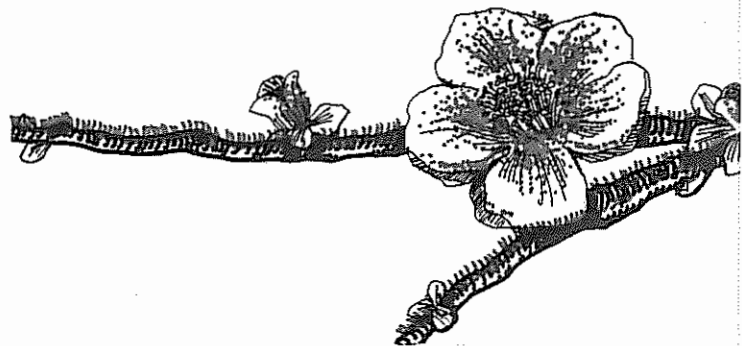
”نظری به اقلام پوشاکی پشت و پیرین یکی از مغازه های کوچه برلن می اندازیم... شلوار برای بچه ۲ تا ۵ ساله ۲۳۰ تومان، بلوز پشمی ۲۲۰ تومان و...”

و اینجا تازه مغازه های ارزان قیمت تهران هستند. از مردم کم درآمد در اینجا خبری نیست. تنها آنها که درآمدی متوسطی دارند قادر به خرید از این مغازه ها هستند و آنها که درآمد کمتر از متوسط دارند؟ کم درآمدها و بی درآمدها؟ هیدرا که جشن می گیرند، اما راستی آیا رخت و لباس نو هم می توانند بخرند؟ آجیل و شیرینی و میوه؟ بچه های آنها اگر بخواهند رو در بایستی با همشاکردی ها را

باب سلیقه اش نبود، بالاخره فراخور بودجه اندکش کفشی و لباسی می خرید و یک جوری چشمه اشک بچه های لجوج را هم می آورد. اما حالا تعاونی ها و فروشگاه های دولتی هم که در عرضه اجناس گران دست کمی از سایرین ندارند.”

...”آقا ما این اواخر اشکنه مان را هم بدون سیب زمینی خورديم. اما با پس اندازمان حتی یکی از بچه هايمان را هم نتوانستيم نونوار كنيم. هنوز كه اسمی از هیدی و پاداش و از این جور پول ها به میان نیامده قیمت ها سرسام آور شده، وای به روزی که کاسب ها بفهمند چندرفاز هیدی گرفته ایم.”

این بار به مشاهدات یک خبرنگار توجه کنیم:



خرید شب عید مردم در تهران

هر سال وقتی فصل بهار نزدیک می شود، معلم انشاء موضوع تکراری هر ساله را به بچه ها می دهد و بچه ها با خطهای خوش و ناخوش و با جملات موزون و ناموزون، هر یک به گونه ای اما جملگی با این جمله آغاز میکنند که: ”نوروز نخستین روز بهار است. در بهار طبیعت جامه نو می پوشد و...”

بچه ها به این جای انشاء که میرسند به یاد رخت و لباس هیدی می افتند. از دیدگاه برخی از این بچه ها، پدر و مادرها موجودات عجیبی هستند، اول باید گریه بچه را در بیاورند تا با آنها به خرید عید بروند و آن وقت هم که رفتند تازه مکانات اصلی شروع می شود. هر چه را که بچه ها خوششان می آید پول آنها کفاف نمی دهد. تازه وقتی هم که خود پدر و مادر می پسندند، نوبت چانه زدنهای خسته کننده و نوبت خوردن اصراب بچه ها در کشمکش و تهر و آشتی ای که بین آنها و فروشنده بر سر قیمت لباس هیدر می گیرد می رسد.

”در نوروز مردم به میهمانی یکدیگر می روند، شیرینی و میوه و آجیل می خورند و...” انشاء به اینجا که می رسد بچه ها به یاد دعوای خسته کننده پدر و مادر می افتند.

— آخه هیچ نمی گوی عید باید توی خونه مون شیرینی و میوه و آجیل باشه. من نمی گم یه جعبه خوب اقلا یک کیلو میوه، نیم کیلو شیرینی، ۲۰۰ گرم آجیل...

— مگه نمی فهمی، من می گم نره توهی می گوی بدوش از کجا بیارم که بخرم، و الله ندارم، بالله ندارم.

شهرشکی که در بازارها و مغازه ها بیداد می کند حکایت خاص خودش را دارد. امروزه روز نه تنها برای مردم کم درآمد بلکه برای آنهایی هم که درآمد متوسطی دارند گرانی خرید شب عید سرسام آور است.

پاهم به بخشی از یک گزارشی که در کیهان روز ۱۴ اسفند ۶۷ چاپ شده توجه می کنیم.

”... پدر تا پیش از این راه تعاونی ها را می شناخت، و اگر چه

”در شروع راه چشمان افتاد به و پیرین یک فروشگاه وابسته به جوراب آسیا (استار لایت) قیمت ها اکثرا بالا بود و از کارخانه های دیگر، جوراب بچگانه ۵۴ تومانی هم در آنجا فروخته می شد... از فروشنده پرسیدیم، آقا چرا کارخانه آسیا جوراب بچگانه ارزان قیمت تولید نمیکند.

گفت: من نمی دانم. گفتیم بالاخره این کارخانه دولتی جوراب تولید می کند یا خیر؟ گفت بله تولید می کند.



کنار بگذارند در انشاهایشان چه می توانند بنویسند؟

”نوروز نخستین روز بهار است، در بهار، طبیعت جامه نو می پوشد اما برای ما این کار خیلی مشکل است. در نوروز بعضی از مردم به میهمانی یکدیگر می روند و شیرینی و میوه و آجیل می خورند. اما قیمت های سرسام آور به ما اجازه این کار را نمی دهد.”

مسئولیت بیشتر در قبال سیرنوسازی

سخنرانی آ. یاکولف

کلاسیک های ما هنگام تعریف نظام اجتماعی نوین بیش از همه از مفاهیم "عقلایی بودن"، "بهروری"، "شخصیت"، و "سعادت" استفاده می کردند. آنها سوسیالیستی بودن را در وهله اول در رهایی مناسبات اجتماعی از هر آن چیزی می دانستند که خلاف قاموس طبیعت بوده و برای انسان و جامعه زیان آور است و با نظرات متعارف انسانی در باره خیر و شر و در باره اخلاق و عدالت ناسازگار است.

نه تنها انسان، بلکه جامعه هم کودکی، جوانی، و دانشکده های خود را دارد. سوسیالیسم به مثابه پدیده ای جهانی تازه دارد و دوران جوانی خود وداع می کند و پابه بلوغ می گذارد. دانشکده های ما دانشکده هایی سخت و بی رحم بودند. اما امروز ما آن قدر خردمند هستیم که خطاهای اجتناب ناپذیر جوانی مان را ببینیم و هم ناپختگی و کله شقی این دوره و هم تمایل به پاسخ های ساده و نظرات یک سویه را به درستی ارزیابی کنیم. این را هم می بینیم و می فهمیم که جامعه ما همین طور سوسیالیسم جهانی نیز، در حال حاضر از بحران رشد خود ویژه ای گذر می کند.

سوسیالیسم با استواری به پا ایستاد و بنیه اولیه خود را تحکیم کرد. سوسیالیسم در پویه خود تا به آنجا به پیشرفت که نیروهای مولده آن مناسبات جدیدی را در جامعه طلب نمودند. اما درک این نیاز با تأخیر همراه بود و پاسخگویی همگی به آن با تأخیری باز هم بیشتر. حاصل این هم چیزی نبود جز ترمز رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی. و این نیز همان بحران رشد است که شکل رکود پیدا کرده است.

سوسیالیسم اعلام خشک و خالی ایده آل ها و اصول نیست. آخر بسیاری از ایده آل های ما را بشریت از هزاران سال پیش فرمول بندی کرده است. سوسیالیسم یک شمای زیبایی اجتماعی نیست. تاریخ، اتوبی های بیشمار به یاد دارد.

نوسازی تنها روی آوردن به فرمول ها و تصمیمات جدید نیست، بلکه با این نیز همراه است که این فرمول ها و تصمیمات برای انسان زحمتکش، برای خلق، برای کشور و برای سوسیالیسم چه چیزی به ارمغان خواهند آورد. لذا این فرمول ها نه تنها به لحاظ افزایش ثروت و لحظه ای، بلکه به لحاظ حراست از طبیعت و تکامل مناسبات اجتماعی و بنابراین به لحاظ تکامل خود انسان نیز معنی خواهند داشت. چراکه فکرش را هم نمی توان کرد که گویا می توان بر زمینه نابرداری در زندگی اقتصادی، بر زمینه پدیده های منفی اجتماعی و طبیعت رویه ویرانی، شخصیت از هر لحاظ رشد یافته انسان را پرورش داد.

باری، نوسازی عبارت است از ضرورت تجدید سازمان همیق، پیش از هر چیز در مناسبات

پلورالیسم هتاید، همه و همه به قوت در زندگی ما رسوخ کرده و آن را به فلیان آورده اند. گاهی آرام و قرار را از بعضی ها می گیرند، شوق و احساسات تند بر می انگیزند، اما در همین حال تضادهای واقعی جدیدی نیز می آفرینند.

ما از شکل گیری مناسبات جدید اقتصادی صحبت می کنیم اما این مناسبات در بافت روال کهنه و همچنان متداول و در محافظه کاری جان سخت گرفتار می آیند. ریخت و پاش آفت جان ماست. شاید اگر نداشت بودیم، با حساب و کتاب تر بار می آمدیم. نداری ما از ثروت ماست، همین ثروت است که ما را فاسد کرده است، ثروتی که تنبلی و بی مسئولیتی می زاید. درست به همین خاطر است که مناسبات ما با طبیعت باید مناسباتی عقلایی و مبتنی بر خودگردانی اقتصادی باشد و الا به سختی ما را مجازات خواهد کرد.

ما از اصلاحات سیاسی صحبت می کنیم، اما چقدر به سختی از حاکمیت پیشینی که به آن عادت کرده ایم، فاصله می گیریم. ما هنوز به هیچ وجه نمی توانیم تجسم کنیم که مردم سالاری راستین به مراتب مستحکم تر و پایدارتر، و البته که پر مسئولیت تر خواهد بود. هنوز هم دموکراسی و هلنیت و تنوع هتاید ما را می ترساند و گویا آرزو می کنیم که هر کدام همیشه با خودمان بسازیم و همیشه در قالب هایی باب طبع فکر کنیم. اما مگر کسی که نظر خاص خود را ندارد و آزادی ذاتی اندیشه را احساس نمی کند می تواند انسان خوانده شود. عوارض دموکراسی ما را می ترساند، عوارضی که گاهی واقعی هم هستند، اما مگر بهار زمستان را نمی روید و مگر، از طرف دیگر، تنها ما و شما به حقیقت ابدی آگاه هستیم؟ سال دشواری در پیش داریم و باید که درفش حزب را با شایستگی از آزمون های جدید و از تحولات اجتماعی آتی بگذرانیم.

ما از رستخیز معنوی و تزکیه اخلاقی صحبت می کنیم اما هنوز به جوشش ها و فلیاناتی که در میان جوانان و روشنفکران و در طبقه کارگر و دهقانان جریان دارد بسیار بدگمان هستیم. هنوز برخی از ما نمی دانیم که سوسیالیسم جامعه آزادی آفرینندگی است، جامعه شکوفایی علم و فرهنگ، جامعه هروج انسان، سوسیالیسم انسان و جامعه به لحاظ معنوی بیمار را با اخلاق و فرهنگ درمان می کند.

زمانی با فرور می گفتیم که: از انسان با سلاح نباید ترسید. رفقا امروز هم بیایید از انسان با مفرز و صاحب قلم ترسیم، تضادهای زائیده نوسازی، طبیعی و هادی هستند. برای دوره گذاری که ما از سر می گذرانیم این تضادها گریز ناپذیرند. به خصوص که گذشته هم هنوز بر سر ما سنگینی می کند.

ظاهرا همه آن چیزهایی را که برای زندگی پر کیفیت لازم است، آن هم بیشتر از بسیاری از دیگر کشورها، داریم. پس دیگر چه چیزی است که نمی گذارد شرایط زندگی انسان شوروی را در سطحی شایسته، چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی تامین کنیم؟

نوسازی از همین سوال هاشروع شد. کنفرانس شما هم روی همین سوال های می چرخد. اما جواب این سوالات را همان گونه که کنفرانس شما هم تایید می کند، باید در خودمان جستجو کنیم. در هاداتمان، در محافظه کاری مان، در پرگوئی و بی مسئولیتی مان. در این جستجو کنیم که زندگی خودمان را چگونه سازمان می دهیم، مناسبات جامعه را چگونه بنا می کنیم، و جهان پیرامون را چگونه در می یابیم. انقلابی بودن نوسازی هم پیش از هر چیز درست در همان است که حزب ما به گونه ای ژرف و جدی دست به کار تجدید سازمان تمامی شئون حیات خود شده است و این سازماندهی را تابع هدف روشن نمایی خویش می سازد و آن هدف هم چنین است: انسان شوروی باید بهتر کار و زندگی کند.

آری، بسیاری چیزها بستگی به خودمان دارد. اما ما خودمان اسیر شرایط اجتماعی هستیم. و اگر عوض کردن بسیاری از رهبران نتیجه دلخواه را به بار نمی آورد و از آن بدتر، اگر آدم های صدیقی برگمارده می شوند و بعد استحاله پیدا می کنند، پس حتما یک جای کار در خود ساختار زندگی اجتماعی است که می لنگد. اما کجای کار؟ آخر بدون تشخیص بیماری که نمی توان روی معالجه موفقیت آمیز آن حساب کرد. امروز دیگر روشن است که رشد و تکامل جامعه سوسیالیستی امری یک بعدی و قالبی نیست. رشد و تکامل جامعه سوسیالیستی دارای شقوق مختلف بوده و چرخشها، اشکال، و اجزا، بسیار پر شماری را در چارچوب یک فرمایشون واحد بازتاب می دهد. می دانیم که این تنوع در گذشته قابل مجازات بود و گاهی هم مجازاتی که پی آمدهای سختی در بر داشت. در مرز سال های ۲۰ و ۳۰ در جریان رشد و تکامل جامعه شوروی ناهنجاری هایی پدید آمد که همین امروز هم پیشرفت ما را مانع می شوند و فکر و عمل ما را به بند می کشند.

دولتی کردن زمین و زمان، تمرکز بیش از اندازه قدرت و منابع در مرکز به ضرر مناطق پیرامونی، شکل گیری سبک و سیستم اداری - فرماندهی، و بر چنین زمینه ای هم فرمالیزه کردن و بورکراتیزه کردن همه شئون زندگی و تعی کردن آن از ابتکار و قریحه به فراموشی سپردن اصول حاکمیت خلق و خودگردانی مردم. تازه به سود استفاده ها و سرکوب های جنایتکارانه هم نمی پردازم.

امروزه اغلب این سوال بسیار مهم ثنوریک و سیاسی مطرح می شود: آیا آنچه که از دل نوسازی در می آید سوسیالیستی است؟ سعی می کنیم این مساله را برای خود روشن سازیم، چرا که این امر برای درک جوهر حرکت ما و برای وحدت ما بسیار اهمیت دارد.

دموکراتیزاسیون، هلنیت، تعاونی، اجاره، خودگردانی اقتصادی، مناسبات کلا-پولی، بازار سوسیالیستی، خودگردانی، مردم سالاری،

اقتصادی جامعه.

اما آنچه که در این زمینه باید تصحیح شود و دوباره ساخته شود کدام است؟

اگر تمامی ناهمخوانی‌های زندگی‌مان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم خواهیم دید که پایه این همه را بی‌تردید لاقط دو نارسایی جدی تشکیل می‌دهد.

اول، این یا آن مکانیسم‌های محصور کردن ابتکار، استقلال و قریحه انسان، کلکتیو، جمهوری و ایالت.

دیگری، برخورد باری به هر جهت و غیر مسئولانه در تصمیم‌گیری و اجرا. و نتیجه هم معلوم است: گام زدن به خلاقیت فردی، محدود ماندن انتخاب آزادانه درونی در چارچوبی مصنوعی، بیگانگی، و بالاخره به فلاکت مادی و معنوی کشیده شدن انسان و روی هم رفته، زندگی.

رفرم اقتصادی جریان دارد اما در جامی زند، محرکه‌های آن ناتوان شده‌اند، وضعیت بازار کالاهای مصرفی و خدمات، و همچنین وضعیت امور مالی هنوز روبه‌بهبود نگذاشته است. مخالفین خارجی و داخلی ما از هر امکانی استفاده می‌کنند تا به زخم‌های ما نمک بپاشند، مشکلات موجود را تشدید نمایند، و ایمان ما را به نوسازی، یعنی به صحت انتخاب سوسیالیستی‌مان تخریب کنند.

البته برای هر کس که واقع‌بینانه فکر می‌کند روشن است که جامعه هنوز هم تاوان گذشته را بازپس می‌دهد و این هم از هر چیزی در دناکت است.

مثلاً همین مساله مسکن را در نظر بگیریم. روشن است که کلیه‌ها و دخمه‌ها ظرف یکی دو سال کاخ نخواهند شد. اما بعید است که این حرف‌ها کسی را که آچار تمان ندارد تسکین دهد.

خواروبار چگونه؟ اصول مصوب مدیریت اقتصادی مربوط به زمین مساله خواروبار را حل نکرد و بدین ترتیب منسوخ گردید. پس باید مناسبات اقتصادی روستا را تغییر داد و اصلاحاتی اساسی در سیاست سرمایه‌گذاری وارد کرد. اگر زمین صاحب نداشته باشد، نه نان خواهیم داشت، نه گوشت و نه شیر.

بینیم وضع کالا چگونه است. تازمانی که میزان پول از میزان کالا، آن هم به اندازه زیاد، بیشتر باشد، تقسه فروشگاه‌ها خالی خواهد بود. پس باید تولید کالا و حجم خدمات را با تمام نیرو افزایش داد و الا میزان پول اضافی باز هم بالاتر خواهد رفت و به همراه آن تب و تاب مردم هم بیشتر خواهد شد.

رفقا زمان ما را زیر منگنه گذاشته است. تمهیل چیزی نیست که حد و اندازه نداشته باشد. ما شاید تنها نزدیک به ۲ تا ۳ سال فرصت داریم که هم به خودمان و هم به دیگران ثابت کنیم که سوسیالیسم در درک لنینی آن اتوپی نیست، ایده‌های مردم‌سالاری راستین، ایده‌های واقعی هستند، منافع فردی و اجتماعی نه تنها باهم سازگار هستند، بلکه متقابلاً یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

اما چرا ابتکارات زاینده زندگی که شاید از بدیهی هم بدیهی‌تر باشند این قدر با مشکلات باورنکردنی روبرو هستند و به سختی راه خود را

هموار می‌کنند؟ چه چیزی مانع می‌گردد که حقوق و اصول جدید و اولویت‌های از بنیاد دگرگون شده، به امر مشخص تبدیل شوند؟ مثل اینکه همه چیز به انسان‌ها و دقیق‌تر به کادرها برمی‌گردد. کادریایی که برخلاف مایشین، نمی‌شود مغزشان را برداشت و برنامه جایش گذاشت.

باید با چشم باز به زندگی نگاه کرد. ظرف نیم قرن اخیر ما مصرانه "اقتصاد برای اقتصاد" را ساخته‌ایم، اقتصادی که به طبیعت و به خرد زور می‌گوید و مردم را ورشکست می‌سازد. ما سالیانه ۱۵ میلیارد تن مواد معدنی استخراج می‌کنیم. مدت‌هاست که به لحاظ استخراج سوخت (به استثنای زغال سنگ)، تولید فولاد، سیمان و تراکتور از ایالات متحده آمریکا پیشی گرفته‌ایم. به لحاظ تولید سرانه نیروی برق از ژاپن جلوتر هستیم. اما به کجا رسیده‌ایم؟ میانگین حقوق ماهیانه کمی بیش از ۲۵۰ روپل است و تازه تنهائی از آن هم تثبیت شده است.

چرا ما بیش از مجموع ایالات متحده آمریکا و ژاپن فولاد تولید می‌کنیم؟ رقم کار و مواد خام را می‌کشیم و در نتیجه ذخایر و ارزش‌های کالایی - مادی که دولت در اختیار دارد به ۱/۵ تریلیون روپل سر می‌زند، یعنی ۲/۵ برابر بیش از دارایی شخصی تمام اهالی کشور. اما این به چه درد می‌خورد؟ نکند ارقام نجومی کمیته دولتی آمار که در صفحات روزنامه‌ها چاپ می‌شود تأثیرش از قفسه‌های خالی مغازه‌ها بیشتر است؟

قیمت‌گذاری رشته‌ای قیمت کالاهای مصرفی را بالا می‌برد. تفکیک قیمت‌ها، نقض اجتماعی تمامی رشته‌های صنایع سنگین است و مطابق برخی محاسبات منجر به آن می‌شود که صندوق مصرف مادر عمل به همان میزان باشد که صندوق انباشت ما.

در مختصات اقتصاد پریخت و پاش و بدون بازار، افزایش آهنگ رشد عمومی اقتصاد در ماهیت امر همان تعویض یک سنگ "سبزیف" با یک سنگ سنگین‌تر دیگر است. تکامل بخشیدن به کار "سبزیف" نه گشودن راه نوسازی، که به بن بست کشاندن آن است.

از همه چیز که بگذریم، ما اجباراً چاره‌ای نداریم جز آن که به اوضاعی مجهل‌تر بدهیم. مثلاً روشن است که به طور هم‌زمان نمی‌شود این دو کار را به انجام رساند که هم اقتصاد را به شیوه‌ای جدید بازسازی کرد و هم برنامه پنج‌ساله را که اساسش بر شیوه پیشین استوار است، به انجام رساند. اما چاره دیگری نداریم. در حال حاضر برنامه پنج‌ساله سنتاً پریخت و پاش مطلوب‌ترین سنگر مکانیسم ترمز است. زیرک‌ترین مخالفین نوسازی هم امیدوارند که در پشت همین سنگر پناه بگیرند.

اما کلید فرمول‌بندی مستدل چشم‌انداز لاقط نزدیک و تقریباً عاجل در چیست و آیا اصلاً چنین کلیدی وجود دارد؟ ما به چنین کلیدی نیاز داریم. جامعه ما بیش از این نمی‌تواند روی سر بایستد.

با همه قید و شرط‌ها، اما می‌توان اعلام کرد که بدون بازار سوسیالیستی و یا با دورزدن آن، نمی‌توان جریان خون را در شریان‌های اقتصاد اتحاد شوروی تامین نمود. همان گونه که

نمی‌توان تمامی تنوع تقاضاها و سلیقه‌ها و همه گرایش‌های انکشاف علمی، فنی و زیبایی‌شناسی را در برنامه منظور کرد، همان گونه هم نمی‌توان تقاضای مصرف را پیشاپیش برآورد کرد و یا تلاش نمود که آن را با سیستم کوپنی توزیع کالا و خدمات به بند کشید، حتی اگر این کوپن‌ها در کشور ما شکل پول داشته باشند.

بدین ترتیب فراخوان لنین در مورد "آموزش تجارت" جان تازه می‌گیرد. صحبت بر سر فراگیری چرخاندن امور اقتصادی است و آن هم در معنای محدود و همچنین وسیع کلمه. کثرت نیازهایی که در بازار سوسیالیستی برآورده می‌شوند موجب اعتبار نظام می‌شود و شالوده جامعه ما را از استحکام ضرور بر خوردار می‌سازد.

نتیجه آن که تلاطمات کنونی بازار، فقط دردی نیست که اعیان مردم و سلامت مدیران صدیق موسسات را هر روزه می‌فرساید، بلکه زنگ خطر است.

بازرگانی دولتی ما در شکل امروزی آن مجموعه معایب کارپردازی دولتی - فئودالی را یکجا در خود گردآورده است. حساب‌سازی، سندسازی، اختلاس، کلاهبرداری، صحبت نه بر سر هزاران کارکنان صدیق هر صه بازرگانی، بلکه بر سر آن سیستم فرسوده و فاسدی است که مطابق قوانین اقتصادی منحصر به خویش عمل می‌کند. محصولات ما نه بر اساس هلاک شخصی زحمتکشان در پشت میز فروش، بلکه بر اساس برنامه به کالا تبدیل می‌شوند، برنامه‌ای که مدت‌هاست گوشت و استخوان سیستم دستوری را تشکیل می‌دهد. برنامه به هر قیمت اجرا می‌شود اما پیش از همه به حساب مصرف‌کننده یا مصرف‌مطلق دولت، مصرف‌کننده را مطلقاً بی‌دفاع می‌گذارد.

برنامه‌ای که تادکان و مغازه هم امتداد داده شود به چه درد می‌خورد؟ به درد فرماندهی. شکل کنونی برنامه‌ریزی رابطه مستقیم و معکوس سیستم اداری - فرماندهی پریخت و پاش است. در قبال انجام برنامه، یعنی در قبال اجرای دستور مواجعی داده می‌شود که "میزان" آن را کمیته دولتی کار تعیین کرده است، جایزه و پاداش داده می‌شود، اما نه دستمزد.

برنامه دستوری را محترم می‌شمارند: می‌کشند قوانین بازی را رعایت کنند و کمبود پابرجا باشد و در آخر ماه هم میدان را در اختیار مغازه‌هایی می‌گذارند که از همده برنیامده‌اند.

پس از اصلاحات پتر کبیر که نظام دولتی را بنیاد گذارد، از دولت چیزی گرفتن برای بسیاری از مردم - از رهیت گرفته تا فرماندار - دل و جرات می‌خواست. استالین که نظام دولتی کنونی را نه به شیوه مارکس، که به شیوه پتر بنامی‌کرد، همواره مردم را به ترددستی و زرنگی وامی‌داشت. برآورده کردن خواست‌ها به حساب دیگران، خود به یک پیشه و فن تبدیل می‌شد. در اواخر حیات برژنف با هلم و تخصص هم کلاهبرداری می‌شد. برای دزدی هم مدیران متخصصی پیدا شدند که خزانه را خالی می‌کردند، طایفه‌هایی شکل گرفت که کشور را به قلمروهای نفوذ خود تقسیم می‌کردند.

لنین می‌گوید: "تجارت آن "حلقه" ای از زنجیره تاریخی رویدادها و اشکال گذار

آن است که در طول سالهای اخیر تعداد نامه‌هایی که از ایالت شهابه کمیته مرکزی ارسال می‌شود بیش از نامه‌هایی است که به خود کمیته ایالتی ارسال می‌شود. تنها ظرف ۱۱ ماه اخیر از سال جاری اختلاف تعداد نامه‌ها به این داورگان به رقمی معادل ۱۵۰۰ رسیده است. در طول همین ۱۱ ماه تعداد مراجعین مستقیم به دفتر کمیته مرکزی از ایالت شما بیش از تعداد آنها در تمام سال گذشته بوده است. و از هر ۷ نفر آنها هم یک نفر عضو حزب بوده است.

راجع به این موضوع فکر کنید. این خود نشانه‌ای جدی از نابسامانی است. باید به مردم نزدیک‌تر بود. والا نه مسایل خواروبار، نه مسکن، نه اکولوژی، و نه هیچ‌یک از مسایل دیگری را که امروز در مورد آنها صحبت شد، نمی‌توان حل کرد.

از اینجا است که باید قاطعانه با سخنرانانی موافقت نمود که روی تشدید سخت‌گیری تکیه کردند و آن هم نسبت به کسانی که کار مشخصی را پیش می‌برند، نسبت به مقامات مسئولی که وقتی انتقادی می‌خوانند و یا می‌شنوند مردمک چشمشان رهازش کند و نابسامانی حیطة مسئولیت خود را ببینند، بی‌تابی‌شان را از دست می‌دهند. این هم مساله جدی و می‌خواهم بگویم بنیادین نوسازی است.

به همین خاطر هم سخنرانی خانم مارگاریتا پترونا را قابل تحسین می‌دانم. او در این باره صحبت کرد که اخلاق از شرایط اجتماعی، از محیط زندگی، از رفتار جامعه و از برخورد آن نسبت به گسترش دانش و فرهنگ، قابل تفکیک نیست. فکر می‌کنم که مسایل این هر سه به نقطه بحرانی خود نزدیک می‌شوند.

میدان اصلی کار حزبی همین جاست. بازسازی هم دستگاه حزبی و هم دولتی نیز متوجه همین هدف است. وقتی از تضادهای نوسازی صحبت می‌کنیم، وقتی از وظایف انجام نشده و آرزوهای برآورده نشده سخن می‌گوئیم، پس به عنوان اعضای حزب حاکم موظف هستیم که از خودمان بطلبیم. ما در برابر همه چیز پاسخگو هستیم. و به یکسان غیر اخلاقی و به لحاظ سیاسی اشتباه است اگر در توجیه ناکامی‌هایمان این و آن را وجه المصلحه قرار دهیم و پای جوانان یا روشنفکران، جراید، بورژوازی جهانی یا هوامفریبان سیاسی، و بالاخره هنرپیشگان آوازه طلب را به میان بکشیم.

تنها تحرک کمونیست‌ها و تنها پیشروی در راه نوسازی، دموکراتیزاسیون و دگرگونی‌های اجتماعی است که قادر است نقش پیش‌آهنگ حزب را تأمین کند. انتقاد و انتقاد از خود، واقع‌گرایی و ارزیابی هشیارانه، فروتنی و روگردانی از خود بزرگ بینی، خدمت صادقانه به خلق، خلق ما امروز بر اساس راستی و حقیقت و با معیارهای درستی‌کاری و شرافت و وجدان، و بر اساس توانایی ما در شریک بودن در درد و اضطراب و آرزوهای مردم است که در مورد ما تضاد می‌کند. یقین دارم که حزب ما از این آزمون تاریخی که خود حزب آن را رقم زده است، سر بلند بیرون خواهد آمد. مطمئنم که سازمان حزبی پرم نیز با سرفرازانی از این آزمون خواهد گذشت.

دروغ ناسازگاری سوسیالیسم و بازار را از آگاهی خود بزدائیم.

دولت از آنجا نمی‌تواند به طور هتلاایی بازرگانی کند که خود همیشه به حساب جامعه زندگی می‌کند. در همین حال دولت می‌تواند دادستان متمدن بازرگانی باشد، تنظیم‌کننده جریان‌های مالی، و کنترل‌کننده پرداخت بر حسب کار. خود دولت که نمی‌تواند پرداخت بر حسب کار را برقرار کند، چنین فکری اتوپی محض است. این کار تنها از همده بازار پیشرفته سوسیالیستی ساخته است. بدون بازار در آینده هم محدودیت‌ها، کمبودها، منوهِیت‌ها، و بخشنامه‌هایی بر ما حاکم خواهند بود که دقیقاً پشتوانه ماشین ترمز هستند.

همینا اعتقاد دارم که موازین سه‌گانه زیر باید در جامعه به صورت قانون درآیند:

۱. مبادله هادی معادل‌های کاری، یعنی چیزی که تنها در بازار میسر است و چیزی که قادر است به طور واقعی به ریخت و پاش بی‌معنی پایان دهد.

۲. مبادله هادی اطلاعات، چیزی که تنها در شرایط دموکراسی و هلتیت میسر است. انحصار اطلاعات، مانع ایجاد کردن و محدود نمودن جریان‌های اطلاعاتی با دگم‌ها، و بالاخره باعث استبدادی این جریان‌ها سوسیالیسم را لاجرم به استالینسم می‌کشاند.

۳. سیستم هادی ارتباطات معکوس، چیزی که خودکامگی را با اولویت قانون منکوب می‌کند، تنها قوانین هستند که می‌توانند جامعه را بطور عادلانه اداره نمایند.

نوسازی تضاد دیگری نیز دارد. این تضاد در آن است که ارتباطات معکوس که در تمامی سطوح و مدارج اداره زندگی جامعه ضروری است در بسیاری موارد از هم گسیخته شده و در بسیاری موارد هم‌اصلا وجود ندارد.

ضرورت بازسازی مناسبات سیاسی نیز از همین جاست. تاکنون بارها گفته شده است که راستای اصلی رفرف سیاسی عبارت است از دموکراتیزاسیون، هلتیت، قانونیت، و مسئولیت. مجموعه این‌ها هم یعنی خودگردانی سوسیالیستی خلق.

ما در حال حاضر بر لب مرزی ایستاده‌ایم که دروای آن زندگی نوین شوراهای آغاز می‌شود. اینجا سه مساله اهمیت ویژه و کلیدی خواهند داشت و آن هم عبارتند از: اعتماد توده‌ها، خصلت روابط روزمره با آنها، و امکانات و اقدامات عملی شوراهای.

ایالت شما در این زمینه از ظرفیت هتظیمی برخوردار است، اما این ظرفیت به درستی و با دلسوزی به کار گرفته نمی‌شود. شواهد بسیاری هم در دست است که این مدها را تأیید می‌کند. مثلاً تعداد و چگونگی نامه‌هایی را که از ایالت شما به کمیته مرکزی ارسال می‌شود، در نظر بگیرید. ایالت پرم از شمار آن مناطقی است فدراسیون روسیه است که به لحاظ کثرت مراجعات کتبی و شفاهی اهالی‌شان به کمیته مرکزی از دیگران متمایز هستند.

این فاکت هم جلب توجه می‌کند که اکثریت مطلق مراجعات کتبی و شفاهی اهالی پرم شامل در خواستها و شکایاتی است که می‌توانند و باید هم که در محل حل و فصل شوند. بدتر از همه هم

ساختمان سوسیالیسم در کشور ماست... که ما، یعنی قدرت دولتی پروتوری، ما یعنی حزب کمونیست رهبر، باید با تمام نیرو آن را به چنگ آوریم. اگر ما اکنون این حلقه را محکم در دست بگیریم، یقیناً در آینده نزدیک تمام زنجیر را در اختیار خواهیم داشت. در غیر این صورت قادر نخواهیم بود تمام زنجیر را بدست آوریم و موفق نخواهیم شد شالوده مناسبات اجتماعی اقتصادی سوسیالیستی را بنا کنیم.

تجارت در مفهوم وسیع آن، حلقه اصلی و برای امروز ضعیف‌ترین حلقه نوسازی است. در همین رابطه است که باید به متاستاز (کانون ثانوی بیماری) استالینسم، یعنی به روحیات بازارستیز اشاره کرد.

اگر در ارگانیسم سوخت و ساز صحیح صورت نمی‌گیرد، غذا چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ در سیاست هم مثل شطرنج نباید بی‌حساب حرکت کرد. قبل از تولید، باید آموخت که محصول را چگونه می‌بایست حمل آورد، نگاهداری کرد، و به دست مصرف‌کننده رساند. آن هم بدون ضایعات. اما ما تاکنون در افسون تولید بوده‌ایم. تاکنون تقدیرنامه و پاداشی در قبال نگاهداری فرآورده‌ها اعطا نشده است. در حالی که به خاطر تولید میلیون‌ها نفر نشان گرفته‌اند. اگر چه هر کس می‌داند که محصول نه در خود مزرعه، که در سرفره است که ارزش دارد...

پس از سال ۱۹۲۱ تکامل نظرات لنین هر روز در جهت پذیرش تدریجی این نکته پیش می‌رفت که سوسیالیسم جامعه‌ای است با تولید کالایی، بازار، رقابت، ارز، دموکراسی و نظایر آن. لنین در اثر خود "درباره تعاونی" چنین نوشت: "در آرزوهای تعاون‌گران کهن خیلی چیزها تخیلی بود. اکنون بسیاری عناصر تخیلی، حتی رمانتیک و حتی مبتذل از آرزوهای تعاون‌گران کهن به واقعیت محض تبدیل می‌شود."

چرا تعاونی؟ زیرا همانا تعاونی آن دستگاه مختصاتی است که در آن می‌توان منافع شخصی را با جمعی، منافع جمعی را با دولتی، و منافع دولتی را با اجتماعی به تمر بخش‌ترین نحو سازگار و هماهنگ ساخت و سرانجام مساله اصلی را حل نمود. به یکسان سازی هلاکت بار خاتمه داد و به پرداخت بر حسب کار نایل آمد. بدون این امر ساختمان سوسیالیسم اتوپی است، بدون این امر جامعه و انسان از مالکیت و قدرت بیگانه هستند و لاجرم قدرت و مالکیت به صورت زائده دولت در می‌آیند و نه چیزی بیش از آن.

فعالیت کاری انسان‌ها همیشه سه‌گانه است: تولید - مبادله - توزیع. در همین حال حلقه "تولید - مبادله" از زمانی که شکارچی بدوی و ماهیگیر بدوی گوشت و ماهی را مبادله می‌کردند امری فراطبیعی بوده است.

توزیع امری تاریخی است. پرده خوراک دریافت می‌کرد، رهیت اقتصاد خود را داشت، و پروتور مزدور بر حسب کارش دریافت می‌کرد، اما تنها به آن اندازه که بازتولید جسمانی او را تأمین کند. این بدیهیات درس همومی اقتصاد سیاسی را برای آن یادآوری می‌کنم که بگویم: وقت آن است که یک بار و برای همیشه

پيروزی کارگران چاپ

در آلمان فدرال

اعتصاب گسترده ۲۰ هزار کارگر چاپ در آلمان فدرال در هفته گذشته با تحقق خواست های آنها پایان یافت. این اعتصاب در پی تصمیم صاحبان بنگاه های انتشاراتی و چاپ خانه های بزرگ مبنی بر کار در روزهای شنبه و یکشنبه آغاز شد و سرریحاً کشور را فراگرفت. به دنبال مذاکرات سندیکای چاپ و کاغذ که اعتصاب را سازماندهی و رهبری می کرد با کارفرمایان، تنها روزنامه های روزهای یکشنبه و دوشنبه در روزهای شنبه و یکشنبه چاپ خواهند شد.

اتحادیه سندیکاهای آلمان پیروزی کارگران چاپ را پشتوانه محکم مبارزات کارگری برای سال های پس از ۱۹۹۲ می داند. در این سال مرزهای میان کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برچیده خواهند شد.

پایان اعتصاب غذای رهبران

حزب کمونیست متحد ترکیه

نیهای سارگین و حیدر کوتلو، رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه که از ۱۸ روز پیش در اعتصاب غذا سر می بردند، به اعتصاب خود پایان دادند. کوتلو و سارگین در پی بازگشت به ترکیه در ماه نوامبر سال گذشته در فروگاه آنکارا دستگیر و زندانی گشتند. آنها در اعتراض به شکنجه در زندان های ترکیه از اول ماه مارس دست به اعتصاب غذا زدند.

ادامه اعتصاب غذای ۴۰ زندانی سیاه پوست در آفریقای جنوبی

ژوهانسبورگ اعلام کرد که چنانچه جان فعالین سندیکایی محبوس به خطر افتد، به اقدامات گسترده ای دست خواهد زد. پلیس آفریقای جنوبی اجازه دارد تحت "شرایط فوق العاده" یک زندانی را بدون محاکمه به مدت نامحدودی در زندان نگاه دارد.

در سالهای اخیر مسایلی را در مقابل کمونیست های ایتالیا قرار داده است که در این کنگره در پاسخ به آنها سیاست های نوین و اشکال جدید مبارزه باید تدوین شوند. نظراتی پیرامون رفتم دستگاه دولتی و ارگانهای آن، درک حزب کمونیست ایتالیا از آینده کشور و اکثراتیون آن، گسترش "دمکراسی در اقتصاد"، رابطه با احزاب سوسیال دمکرات و سوسیالیست و سیاست "رفرمیسم نوین" از جمله مسایل محوری مورد بحث در کنگره حزب هستند.

آمریکا خروج بخشی از ناوهایش

را از خلیج فارس به تاخیر انداخت

بر اساس گزارش تلویزیون آن - بی - سی آمریکا، دولت بوش در نظر دارد چهار ناو آمریکایی را از خلیج فارس خارج نماید. در خلیج فارس اکنون ۲۴ کشتی جنگی آمریکایی در مرزهای ایران حضور دارند، از جمله رزم ناو وینسنس که در تیرماه سال گذشته یک هواپیمای مسافربری ایران را هدف موشک قرار داد و سرنگون کرد. طی این عمل جنایتکارانه ۲۹۰ نفر کشته شدند. در هفته گذشته بمبی در اتومبیل ناخدای این رزم ناو در سان دیه گو آمریکا منفجر شد. دولت آمریکا با طرح این کسبه ایران در این سو اقصاء دست داشته است، خروج ناوهای مورد نظر را به تاخیر انداخته است.

کنگره هجدهم کمونیست های ایتالیا از روز ۱۸ ماه مارس تا روز ۲۲ ماه مارس در رم برگزار می شود. در این کنگره یک سلسله مسایل اساسی سیاست حزب مورد بحث قرار خواهند گرفت. حزب کمونیست ایتالیا که ۱/۵ میلیون عضو دارد، اکنون با اختصاص ۲۶ درصد از آرای انتخابات در پارلمان ایتالیا و شوراهای محلی دومین فراکسیون بزرگ و قوی ترین نیروی اپوزیسیون را تشکیل می دهد. تأثیرات انقلاب هلمی - فنی در جامعه ایتالیا

سمپوزیوم صلح میان اسرائیل

و سازمان آزادیبخش فلسطین

به ابتکار ماهنامه اسرائیلی "نیوآوت لوك" و روزنامه "الفجر" که در شرق اورشلیم منتشر می شود، اولین سمپوزیوم صلح میان سازمان آزادیبخش فلسطین و شخصیت های برجسته اسرائیلی در نیویورک صورت گرفت. از جانب سازمان آزادیبخش فلسطین ۵ نفر از اعضای برجسته، از جمله نابیل شعت سفیر این سازمان در هلند، هفیف صغیه دبیر وزارت خارجه و لیبب تریز نماینده سافت در سازمان ملل متحد به کنفرانس فرستاده شدند. از مناطق اشغالی یک گروه ۱۱ نفره در کنفرانس شرکت کردند. از جانب اسرائیل ۲۵ نفر از نمایندگان پارلمان، جنبش حقوق بشر، جنبش "صلح اکنون" و شخصیت های آکادمیک شرکت کردند.

دولت آمریکا از اخطای ویزا به یاسر عرفات جهت شرکت در کنفرانس خودداری کرد. لازم به ذکر است که این کنفرانس همزمان با سفر آرنس، وزیر خارجه اسرائیل به نیویورک صورت می گیرد. دولت اسرائیل به دولت آمریکا پیرامون اخطای ویزا به شرکت کنندگان فلسطینی اعتراض کرد.

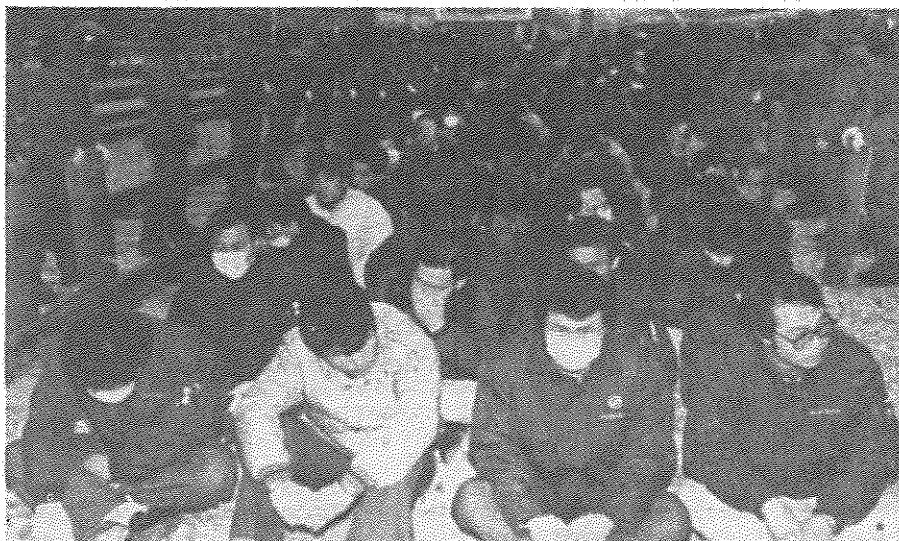
کره جنوبی: مانور مشترک

نظامی آمریکا و کره جنوبی

مانور مشترک سالانه آمریکا و کره جنوبی با وجود اعتراض گسترده در کره جنوبی برگزار می شود. این مانور عظیم ۹ روز تمام طول خواهد داشت و در آن ۲۰۰ هزار سرباز از هر دو کشور، از جمله ۶۰ هزار سرباز آمریکایی مستقر در هاوایی، کره جنوبی و قاره آمریکا شرکت خواهند داشت.

☆ ☆ ☆

در هفته گذشته کارگران متروی سئول برای برکناری مدیر شرکت مترو دست به اعتصاب زده، ایستگاه های مترو را اشغال کردند. هزاران پلیس مسلح برای تصاحب ایستگاه ها با کمک بولدوزر و گاز اشک آور به اعتصاب کنندگان حمله ور شدند، ۲۲۰۰ کارگر از جمله ۳۰ نفر از رهبران سندیکایی دستگیر گشتند.



کارگران اعتصابی متروی سئول

مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

سخنرانی آ. یاکولف

عضو دفتر سیاسی، دبیر کمیته مرکزی ج.ا.ش. در بیست و دومین کنفرانس حزبی ایالت پرم از جمهوری فدراتیوروسیه شوروی
۱۷ دسامبر ۱۹۸۸

رفقای کمونیست! با احساس خاصی سخن می‌گویم و هوای آن دارم که بگویم از مساله اصلی یعنی آن که شما در میدان نوسازی چه می‌کنید و چشم اندازهای پیش رویتان را چگونه می‌بینید، ارزیابی به دست بیاورم. به خصوص که بسیاری نشانه‌های تغییرات مثبت دارند کم‌کم روند رشد و تکامل را بازتاب می‌دهند. گزارش رفیق چرنیشف کار هادی و مشکلات، و برنامه‌ها و آرزوهای کمونیست‌های منطقه بزرگ شمارا با جامعیت کافی نشان می‌دهد. بحث‌های خود کنفرانس هم به مرزهای اصلی فعالیت کمونیست‌ها که نتایج آن بسیاری اوقات رضایت بخش نیستند، پرتو می‌افکند. لذا ضرورتی ندارد که من آنچه را که گفته شده است تکرار کنم و یا به تفسیر آن بپردازم. تنها می‌توانم بگویم که گفت و شنودهای هلاقمندان‌ای که در کنفرانس شما جریان پیدا کرد فضای زنده و جوشانی را که بر کشور ما حکم فرماست به خوبی بازتاب می‌دهد.

در این شرایط ضرور می‌بینم در این مورد که نوسازی در مجموع چگونه حرکت می‌کند و سرچشمه‌ها و مولفه‌های اجتماعی اقتصادی آن در مهمترین ابعاد - مادی و معنوی - کدام‌اند، برخی فکرها را در میان بگذارم.

از آوریل سال ۱۹۸۵ ما در شرایط منحصربفردی زندگی و کار می‌کنیم و دست‌اندر کار انقلاب در تکامل هستیم.

امروز جامعه و حزب ما ایام خودکامگی و رکود را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهند و به تلخی درمی‌یابیم که چه‌ها که نشده است. و روشن است که می‌توانستیم سریعتر قدم برداریم، پاک‌تر و شرافتمندانه‌تر زندگی کنیم و بهتر کار کنیم. آنچه به ما گذر نرسانده است فره بودن به خود و اطمینان به

خطاناپذیری‌مان بوده است. تا- منجاری‌هایی هم که زمانی روا داشته شد و سپس در بابت سیاسی و اقتصادی کشور و در روانشناسی و عادات مردم و در آگاهی و در دگم‌های علوم رشد نمود که به ما آسیب رسانده است.

پایه محافظه کارانه آگاهی شاید در تک‌تک ما هنوز هم باین فکر در تقابل قرار دارد که ما در عمل آن قدرها هم که مدت‌های مدید به نظرم می‌آمد و یا به ما تلقین می‌شد کمال یافته و بی‌عیب و نقص نیستیم. آسایش روحی و درونی پیشین ما تا همین امروز هم مانع آن می‌شود که برخی از ما اهداف و ابعاد نوسازی را به طور کامل ببینیم.

آخر درد ما در کجاست؟ چه چیزی ما را آزار می‌دهد؟ ما که بقیه در متحد

برگزاری پلنوم
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

از جمله اجاره، به‌کارگرفته خواهند شد. در ماه ژانویه ۱۹۸۹ مدیر مجتمع صنعتی - کشاورزی، مورخوفسکی در جلسه مشورتی کمیته مرکزی گفته بود: "احساس آتایی بر زمین باید در دهقانی که در خودگردانی واحد شرکت فعال دارد، ایجاد گردد." به دلیل اتخاذ سیاست اجبار به تمرکز و تعاونی در هرصه کشاورزی این "احساس مالکیت بر زمین و ملک" وجود نداشت.

پیرامون سوخوزها و کالخورها تصمیم‌های مهم دیگری از جمله دادن اختیارات وسیع به این واحدها، که تعداد آنها در اتحاد شوروی حدود ۶ هزار است، گرفته شد. تاکنون این واحدها حتی پیرامون سود حاصل از کار خود نیز اختیار تصمیم‌گیری نداشتند.

در پیشبرد سیاست مقابله با بوروکراتیسم مجتمع صنعتی - کشاورزی که به‌هنوان تنها ارگان مرکزی در هرصه اقتصادی تعیین سیاست می‌کرد و دارای اختیارات نامحدود بود، منحل و به‌جای آن کمیسیون با اختیارات هماهنگ‌کننده تعیین گردید.

بوریس یلتسین، عضو کمیته مرکزی که دو سال پیش از عضویت هیات سیاسی برکنارگشته بود، پیشنهادی مبنی بر اجازه فعالیت به احزاب مختلف سیاسی به پلنوم ارایه داد که با مخالفت پلنوم روبروگشت. از سوی دیگر مدودیف عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در مقابل مطبوعات اعلام داشت که این مساله در کمیسیون جنب کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گرفته، نتایج آن به پلنوم بعدی ارائه خواهد شد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه هفته گذشته برگزار گردید. انتخاب صد نماینده حزب برای کنفرانس نمایندگان خلق (پارلمان اتحاد شوروی) و تعیین سیاست نوین در اقتصاد کشاورزی در دستور کار پلنوم قرار داشت.

میخائیل گارباجف چهار محور را برای تدوین سیاست نوین کشاورزی در مقابل پلنوم قرار داد: - تدوین و کاربرد روش‌های نوین اقتصادی - کاربرد گسترده شیوه‌ها و امکانات فنی

- بهبود شرایط اجتماعی در روستاها

- بهبود روش‌های برداشت، ذخیره و حمل و نقل محصولات کشاورزی

اساس اقتصاد کشاورزی در اتحاد شوروی هم‌چنان سوخوزها (واحدهای متمرکز دولتی) و کالخورها (واحدهای متمرکز تعاونی) خواهند بود.

پلنوم براین نظر تأکید کرد و مخالفت خود را با برخی نظرات موجود پیرامون خصوصی کردن واحدهای کشاورزی اعلام داشت. تحولات قاطع در چارچوب نظام موجود کشاورزی باید درجهت بهبود تامین مواد غذایی به‌کار گرفته شوند. افزایش مصرف سرانه گوشت از ۶۵ کیلو به ۸۰ کیلو در سال و افزایش ۵۰ درصد تولید مواد غذایی به‌هنوان هدف موردنظر تا سال ۱۹۹۶ اعلام گردید.

از تصمیم‌های مهم پلنوم طرح مجدد شعار انقلاب اکتبر "زمین به دهقانان!" بود. براین اساس اشکال مختلف مالکیت بر زمین،

تغییرات سال: روز دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۷
ساعت ۱۸ و ۵۷ دقیقه و ۵۸ ثانیه
مطابق با
۲۰ مارس ۱۹۸۹ میلادی

توضیح

به مناسبت فرارسیدن سال نو نشریه اکثریت به روال هر ساله یک هفته تعطیل خواهد بود. بدین قرار نشریه هفته آینده منتشر نخواهد شد. تاریخ انتشار شماره ۲۵۱ اکثریت روز دوشنبه ۱۴ فروردین است.

AKSARIYAT
NO. 250

MONDAY, 20 MAR 1989

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANYحساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNERبا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید